

مطالعه پدیدارشناسانه تجربه زیسته دانشجو- معلمان دانشگاه فرهنگیان از مشارکت و همدلی مردمی برای مدیریت بحران کرونا (از منظر آثار تربیتی)

دکتر شهناز ولی پور هفشجانی^۱ * دکتر حیدر قمری^۱ * دکتر محمد نیکخواه^۲

چکیده:

هدف پژوهش حاضر مطالعه پدیدارشناسانه تجربه زیسته دانشجو- معلمان دانشگاه فرهنگیان از مشارکت و همدلی مردمی، برای مدیریت بحران کرونا، از منظر آثار تربیتی بود. پژوهش با رویکرد پدیدارشناختی انجام شده است. داده‌ها از طریق یک پرسشنامه باز- پاسخ محقق ساخته گردآوری شده و اعتبار پرسشنامه را ده متخصص دانشگاه فرهنگیان تأیید کرده‌اند. نمونه آماری پژوهش به روش هدفمند، نمونه‌گیری موارد مطلوب و ادامه تا اشباع نظری شناسایی و داده‌ها از طریق ۳۷ نفر از دانشجو- معلمان ممتاز و سرآمد دانشگاه فرهنگیان کشور (به انتخاب و معرفی همکاران هیئت علمی) گردآوری شدند. براساس نتایج پژوهش، در حوزه شناخت مقوله الگوبرداری از پویای مشارکت و همدلی مردمی شامل الگوبرداری از ایثار و فداکاری و نحوه مدیریت مردمی بحران و مقوله افزایش شناخت درمورد بیماری کرونا، راههای کنترل آن، شیوه‌های مراقبت از خود و دیگران، اهمیت سلامتی و ارتباط سلامت فردی و اجتماعی به‌دست آمده است. در حوزه رفتاری، همراهی دانشجویان با این حرکت و حمایت از آن، تغییر سبک زندگی، افزایش شکیبایی، ترجیح منافع جمعی بر فردی و تغییرات گفتاری گسترده در ارتباطات کلامی و تعاملات زبانی استخراج شده است. اثرات تربیتی پویای مشارکت و همدلی در حوزه نگرشی، در سه زمینه باورها، شامل رشد باورهای دینی مانند توکل، صبر، شکر و قدرشناسی از نعمتها، مسئولیت پذیری، شامل رشد حس مسئولیت پذیری و تعهد و رشد عواطف و تمایلات سازنده مانند عشق، محبت و مهربانی، احترام، همدلی، افتخار به هویت ایرانی، امنیت و آرامش، رضایت، امید، نوع دوستی، وطن دوستی، شوق و ارزشمندی و رشد تمایلاتی چون تمایل به خدمت، ایثار، فداکاری و مشارکت استخراج شده است.

کلیدواژگان: آثار تربیتی، تجربه زیسته، پویای مشارکت و همدلی، شرایط کرونایی، مطالعه پدیدارشناسانه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۹

۱. استادیار گروه آموزشی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Email: sh.valipour@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزشی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که برای ادامه زندگی نیازمند تکیه بر مؤلفه‌های زندگی اجتماعی از جنبه‌های گوناگون است. یکی از مؤلفه‌های مهم زندگی اجتماعی، مشارکت است. مشارکت ابزاری برای دستیابی به هدف و رشد و آگاهی اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیتهای ملی و محلی به‌شمار می‌آید (پریس^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و این امکان را برای افراد فراهم می‌کند که ویژگیهای فردی همچون اعتماد به نفس، احساس قدرت، دانش و توانایی حل مشکلات را در درون خود تقویت کنند (بام^۲، ۲۰۰۴).

مشارکت، فرایند درگیر شدن گروههای گوناگون مردم در زندگی جمعی، برای ظهور تواناییها، قابلیتها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست. افزایش مشارکت اجتماعی، می‌تواند در ایجاد تعادل جامعه، نقشی ارزنده ایفا کند. اگر شهروندان، مشارکت در مسائل جامعه را به‌منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت، در قالب گروههای کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایصی، مانند خودرهبری و خودمسئولیت‌ورزی مبادرت ورزیده و زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی جامعه آماده خواهند نمود و این امر موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸). مشارکت فرایندی است که از رهگذر آن افراد ذی‌ربط بر ابتکارهای توسعه و تصمیمها و منابعی تأثیر می‌گذارند که نقشی تعیین‌کننده در آنها دارند و از شرایط فردگرایی و انزوای اجتماعی خارج می‌شوند و از طریق حقوق شهروندی از حالت فردیت به طریق شهروندگرایی و جمعیت تغییر هویت می‌دهند. بنابراین مشارکت مردم از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاریهای اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند و با افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزشهای دموکراتیک سهیم شده در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری همراه است (حسین‌زاده و فدایی‌ده‌چشمه، ۱۳۹۱).

مشارکت اجتماعی می‌تواند در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه انجام پذیرد. شایان ذکر است که گرچه وجود مشارکت به لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است اما عملی کردن و به‌اجرا درآوردن مشارکت به‌سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع دید و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلیقات و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته جامعه و غیره بر پذیرش یا عدم پذیرش یا نحوه اجرای مشارکت مؤثرند (مهديه، ۱۳۹۹).

همچنین اجتماعی بودن انسان باعث ایجاد تعلق گروهی و تأمین نیازهای روحی و روانی خود از طریق گروههای اجتماعی شده و این تعلق اجتماعی باعث ایجاد حس نوع‌دوستی در انسانها شده

1. Peris
2. Baum

است. نوع دوستی الگویی موفقیت‌آمیز در بسیاری از فرهنگهای انسانی است که نقطه مقابل خودمحوری، خودخواهی و فردگرایی تلقی شده و با توجه به منافع و مصالح دیگران صورت می‌گیرد (خرمایی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از مؤلفه‌های مهم نوع‌دوستی، همدلی است. اصطلاح همدلی^۱ که اولین بار تیچنر^۲ مطرح کرده یکی از متغیرهای روان‌شناختی به معنای تلاش برای فهم موقعیت زندگی و احساس دیگران و کمک و مشارکت با آنها، یا به‌زعم راجرز^۳ به معنای درک دنیای واقعی شخص مقابل و خود را به‌جای ایشان تصور کردن است (مرکز مشاوره جامعه‌الزهراس)، (۱۳۹۹)، به‌گونه‌ای که فرد بتواند از چشم شخص دیگری به جهان بنگرد (گرین^۴ و همکاران، ۲۰۱۸).

همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیتهای مشترک و انسجام گروهی (ریف^۵ و همکاران، ۲۰۱۰) و نیروی برانگیزاننده رفتارهای اجتماعی و رفتاریهایی است که انسجام گروهی را در پی دارند و نقش اساسی در زندگی اجتماعی دارد (موسویان و همکاران، ۱۳۹۸). توانایی همدلی با دیگران یکی از مهارتهای مهم زندگی است که می‌تواند کمک مؤثری به برقراری رابطه عمیق بین انسانها، بهبود کیفیت روابط بین اشخاص و رفع اختلافات با دیگران، نماید (صادقی‌فرد و لطفی‌عظیمی، ۱۴۰۰). افراد همدل گرایش به بخشندگی بیشتر داشته، به رفاه دیگران علاقه‌مند هستند، روابط شادتری برقرار می‌کنند و احساس بهزیستی فردی بیشتری دارند (صادقی‌فرد و لطفی‌عظیمی، ۱۴۰۰). همچنین دانشگاه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان اجتماعی، نقش مهمی در زمینه مسئولیتهای اجتماعی و تقویت مسئولیت مدنی و شهروندی فعال از طریق حضور و مشارکت داوطلبان و فعالان دانشگاهیان در مسائل اجتماعی داشته و مشارکت و همدلی اجتماعی از ارکان مهم دانشگاه محسوب می‌شود (آذر و ذاکر صالحی، ۱۴۰۱).

درواقع زندگی فردی و اجتماعی انسان همواره با ناملایمتها و دشواریهای بسیار همراه است که برای فائق آمدن بر بسیاری از آنها ناگزیر به تکیه بر روابط و همکاریهای اجتماعی است. در شرایط بحرانی و ناملایمتهای شدید زندگی مانند نازل شدن بلایای طبیعی، بیماریها، مرگ و میرها و سایر شرایط بحرانی این نیاز بیشتر احساس می‌شود. بحران جهانی کرونا که از سال ۲۰۱۹ از چین شروع و به سرعت در سراسر جهان گسترش پیدا کرد، از مهم‌ترین بحرانهای قرن اخیر بود که تغییراتی جدی، ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی در جوامع بشری و نظام اجتماعی ایجاد کرد (ترنر^۶، ۱۹۸۰). هر چند این بحران باعث ایجاد مشکلات و چالشهای متعدد برای جهانیان شد، اما فرصتهایی نیز برای رشد شیوه‌های جدید از جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی بشری ایجاد کرده و با شکل‌گیری مشارکتهای مردمی برای

1. Empathy
2. Titchener
3. Rogers
4. Green
5. Rieffe
6. Turner

رویاری با این بحران، سبب افزایش انسجام اجتماعی شد.

ایران نیز از کشورهایی است که درگیر این بحران شده و هزینه‌های فردی و اجتماعی زیادی را در این زمینه پرداخته است. با وجود این، به دلیل برخورداری کشور ایران از سرمایه‌های اجتماعی بسیار و ظرفیتهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی قوی و اصیل، از همان آغاز شیوع کرونا، شاهد شکل‌گیری و گسترش نهادهای بشردوستانه متعدد برای کمک به آسیب‌دیدگان این بحران بوده است. در ایران نیز از همان روزهای ابتدایی اعلام شیوع ویروس کرونا، پویشهای مردمی و حرکتهای خیرخواهانه و انسان‌دوستانه‌ای شروع شد که محدود به رفع اقلام و نیازهای بهداشتی نبود و تلاش شد به شکل‌های گوناگون به اقشار گوناگون مردمی که در زمینه‌های متعدد از این بیماری آسیب دیده‌اند، کمک شود. جوانان و دانشجویان نقشی بسیار موثر در این پویش داشتند و فعالانه به امر کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان پرداختند. بنابراین بررسی تجربه زیسته کسانی که شاهد این پویش مشارکت و همدلی ملی در رویاری با این بحران بودند، به‌ویژه جوانان و دانشجویان، می‌تواند جنبه‌های انسانی این پدیده و آثار تربیتی آن را به شکل‌های متفاوت آشکار کند.

از میان روشهای مطالعه این مشارکتها و همدلیها در شرایط مذکور، استفاده از روشهای پژوهش کیفی است. روش پژوهش کیفی ابزاری است برای کشف و درک معانی که افراد یا گروهها به مسائل اجتماعی یا بشری نسبت می‌دهند (کرسول، ۲۰۰۹). از جمله روشهای مطالعه کیفی مسائل نظام آموزشی، استفاده از تجربه زیسته است. معانی زیسته شده بیان‌کننده آن جنبه‌هایی از یک موقعیت است که توسط فردی که در آن موقعیت قرار دارد، تجربه شده است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین پژوهشهای مرتبط با تجربه زیسته، سنتهای روانشناسی‌شناختی، پدیدارشناختی، پدیدارنگاری و پژوهش درمورد تاریخچه زندگی‌اند. پدیدارشناسی^۱ پژوهشی است درباره جهان، آن‌گونه که بر افراد جلوه‌گر می‌شود، هنگامی که آنان خود را در حالتی از آگاهی قرار می‌دهند که گویا برای آزاد شدن از سوگیریها، تعصبات و عقاید روزمره تلاش می‌کنند. این پژوهش تجربی و کیفی، ریشه در نهضت فلسفی هوسرل^۲ دارد که معتقد بود نقطه شروع دانش، تجربه درونی فرد از پدیده‌هایی مانند احساسها، ادراکها و تصورهایی است که به هنگام متمرکز شدن توجه بر یک شیء یا پدیده در آگاهی آشکار می‌شود (گال^۳ و همکاران، ۱۳۸۶).

با توجه به موارد گفته‌شده، یکی از پدیده‌هایی که می‌تواند موضوع مناسبی برای پژوهشهای پدیدارشناختی باشد، بررسی تجربه زیسته بحرانهای بزرگ و فراگیر است، زیرا بحرانهای بزرگ با درگیر کردن ابعاد مختلف زندگی طیفی وسیع از افراد، می‌تواند شباهتها و تفاوتهای ساختار تجربه زیسته نوع بشر را در رویاری با چالشهای بزرگ و یکسان آشکار کند و به افزایش دانش در مطالعات تربیتی و

1. Phenomenology

2. Husserl

3. Gall

اجتماعی و جامعه‌شناختی یاری رساند. بررسی نحوه رویارویی با این بحرانها، آثار آن بر آحاد جامعه و همچنین نوع مدیریت بحران در جوامع گوناگون نیز اهمیت بسیار برای مطالعات مختلف انسانی، از جمله علوم تربیتی، اجتماعی، سیاسی و غیره دارد و می‌تواند با آشکار کردن شیوه‌های متفاوت رویارویی با بحران و سنجش آثار هر کدام از روشهای مدیریتی و میزان موفقیت آن، مدلها و الگوهای مختلف و متناسب با شرایط هر جامعه را، در اختیار متولیان امور و همچنین اندیشمندان قرار دهد، تا در شرایط بحرانی مشابه به‌عنوان الگوهای مدیریتی احتمالی، مورد بررسی قرار دهند.

در ضمن، همان‌گونه که پیشتر بیان شد، بررسی پژوهشهای گوناگون حاکی است که بحران کرونا از جنبه‌های مختلف، مشکلات متعددی ایجاد کرده و درعین حال سبب ایجاد و گسترش فرصتهای مثبت و سازنده در برخورد با آن نیز شده است. به‌گونه‌ای که خدابخشی کولایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نتیجه گرفته که از نظر روان‌شناختی این بیماری، انزوا و خانه‌نشینی ناشی از آن باعث رشد احساسات منفی، سردرگمی و بدبینی، رشد وسواسهای فکری عملی پیرامون بدن و شستشو، دغدغه‌های فکری پیرامون به خطر افتادن سلامت خانواده، دغدغه‌های اقتصادی و ترس از فردای خلاصی کرونا شده است. حاتمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود دریافتند که افراد داوطلب و مشارکت‌کننده در پویش همدلی و مشارکتهای مردمی دوره کرونا، نگرش مثبتی نسبت به اقدامات خود داشته و از سبک دل بستگی ایمن‌تر، خودشفقت‌ورزی و ذهن‌آگاهی بیشتری برخوردار بوده‌اند. عینی و همکاران (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که خوش‌بینی، تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده، نقش مهمی در میزان اضطراب کرونای دانشجویان ایفا کرده است. امیدیان و اسماعیل‌پور (۱۳۹۹) دریافتند که حمایت اجتماعی دانشجویان با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی قابل پیش‌بینی بوده و دارای تلویحات کاربردی در تدوین مداخله‌های در بحران در زمان شروع بیماری کرونا و بعد از آن بوده است. شهابی‌کاسب و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی کیفی تجارب زیسته دانش‌آموزان سال دوازدهم در قرنطینه خانگی، نه‌مضمون اصلی در تجربه زیسته آنان استخراج کردند. عسگری و همکاران (۱۴۰۰) با واکاوی تجارب زیسته افراد مبتلا به بیماری کرونا، روابط فردی خانوادگی و اجتماعی و راهکارهای پیشگیری و کنترل آسیبهای روانی ناشی از آن، نتیجه گرفتند که شیوع بیماری کرونا، روابط این افراد را در سه بُعد فردی، خانوادگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار داده است. نوروزی سیدحسینی (۱۴۰۰) با واکاوی تجربه زیسته شانزده سالمند ورزشکار تهرانی و تحلیل تجارب زیسته آنان به روش پدیدارشناختی، چهار مضمون اصلی شناسایی کرده است. رحیم (۲۰۲۰) باهدف کشف و تفسیر تجربه زندگی دانشجویان دانشگاه اندونزی در یادگیری از راه دور، به روش پدیدارشناختی، اضطراب آنان را مورد بررسی قرار داده است. ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی

1. Rahiem
2. Ye

تاب‌آوری، حمایت اجتماعی و مقابله به‌عنوان واسطهٔ میان تجربیات استرس‌زای مربوط به کووید-۱۹ و اختلال استرس حاد در میان دانشجویان پرداختند و نتیجه گرفتند که عوامل درون-فردی و میان-فردی مانند انعطاف‌پذیری، کنارآمدن و حمایت‌های اجتماعی در کاهش استرس ناشی از کرونا بسیار اهمیت دارد. یو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) با مطالعه سبک مقابله، حمایت اجتماعی و پریشانی روانی در میان مردم چین در مراحل اولیهٔ شیوع کووید-۱۹ دریافتند که راهبردهای مقابلهٔ فعال و افزایش حمایت اجتماعی به‌طور معناداری با کاهش پریشانی روان‌شناختی در ارتباط بوده است. لی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) با مطالعه دانش عمومی، شدت درک شده و قابل‌کنترل بودن کووید-۱۹ و ارتباط آنها با واکنش‌های عاطفی و رفتاری مشارکت اجتماعی و رفتار پیشگیرانه نتیجه گرفتند که واکنش‌های عاطفی و رفتاری مردم کمی تحت‌تأثیر شیوع کووید-۱۹ قرار گرفته، علاوه بر این مردم در رویدادهای مربوط به کووید-۱۹ مشارکت محدود داشته‌اند، اما به‌طور فعال درگیر رفتارهای احتیاطی بوده‌اند. با توجه به موارد مذکور، آنچه در این پژوهش به‌عنوان مسئله مطرح بوده است، این است که تجربه زیسته دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان از مشارکت و همدلی مردمی، برای مدیریت بحران کرونا، از منظر آثار تربیتی، چگونه بوده است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی و پدیدارشناسانه بود. جامعهٔ آماری پژوهش شامل همه دانشجو-معلمان دوره کارشناسی ورودی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ دانشگاه فرهنگیان کشور در سال ۱۴۰۰ بود. نمونه آماری پژوهش به روش هدفمند از نوع نمونه‌گیری موارد مطلوب و با تعیین و انتخاب دانشجو-معلمان ممتاز، سرآمد و توانمند دانشگاه، به ویژه در زمینه‌های همدلی و مشارکت و برخوردار از مهارت‌های نوشتاری، به گونه‌ای که توان توصیف مشروح تجربه زیسته خود را داشته باشند، به انتخاب همکاران هیئت علمی دانشگاه، شناسایی و پرسشنامه‌های باز-پاسخ تجربه زیسته، به دلیل شیوع بیماری کووید-۱۹ طی سال انجام پژوهش و ضرورت رعایت فاصله اجتماعی و عدم امکان مراجعه مستقیم به افراد برای مصاحبه، برای آنان تا اشباع نظری و عدم کسب اطلاعات جدید (۳۷ نفر)، از طریق ایمیل و با تماسها و پیگیری‌های متعدد ارسال و گردآوری شده است.

1. Yu
2. Li

جدول ۱. فراوانی افراد نمونه آماری پاسخ‌دهنده به تفکیک استان

استان	فرد
اردبیل	۱
اصفهان	۴
ایلام	۳
تهران	۲
چهارمحال و بختیاری	۴
خراسان رضوی	۱
سمنان	۳
سیستان و بلوچستان	۳
قم	۲
کرمان	۲
کرمانشاه	۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱
گیلان	۱
مازندران	۱
مرکزی	۲
همدان	۲
هرمزگان	۱
یزد	۳

با توجه به ماهیت پژوهش که از نوع کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناختی تفسیری بود، ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه باز- پاسخ محقق‌ساخته بود که با توجه به هدفهای پژوهش و مطالعات بسیار طراحی شد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه، از دیدگاه ده نفر از همکاران هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان کشور استفاده شده است.

پژوهش پدیدارشناختی دارای شش گام روی آوردن به ماهیت تجربه زیسته، بررسی تجربه به‌صورتی که زیسته شده، تأمل پدیدارشناسانه، بازنویسی، حفظ ارتباط قوی و هدفمند و متعادل ساختن با رفتار با حفظ ارتباط اجزا با کل است (ون‌منن، ۱۹۹۰). در این پژوهش، پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا با نرم‌افزار آماری MAXQDA، پاسخهای افراد مورد بررسی قرار گرفتند، سپس مقوله‌ها یا کدهای باز استخراج شدند. در مرحله بعدی کدهای محوری با توجه به مقوله‌های کسب شده یا کدهای باز، تعیین شدند، سپس طی سه کد منتخب مورد بررسی قرار گرفتند و به‌عنوان شاهد بخشهایی از گفته‌های افراد با کمی خلاصه‌سازی و ویرایش گزارش شدند. برای تعیین پایایی یافته‌های حاصل از تحلیل و کدهای استخراج شده از پرسشنامه‌های باز- پاسخ، پس از مطالعه، خلاصه‌برداری و مقوله‌بندی و استخراج کدهای باز، محوری و منتخب، تحلیلها در اختیار سه نفر از همکاران متخصص قرار گرفت و آنان نیز تحلیلها را تأیید کردند. اعتبار یافته‌های مصاحبه به روش سه‌سوسازی و مقایسه با نتایج پرسشنامه (بخش دیگری از ابزار گردآوری داده‌های طرح پژوهشی) نیز بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، در زمینه آثار تربیتی مشارکت و همدلی مردمی در بحران دوره کرونا، ۳ کد منتخب، ۵ کد محوری و ۲۲ کد باز استخراج شد. در جدول شماره ۲ کدهای مربوطه و بخشی از گفته‌های افراد (به‌عنوان شواهد) آورده شده است.

1. Van Manen

جدول ۲. آثار تربیتی پویش مشارکت و همدلی مردمی با توجه به تجربه زیسته دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان

کدهای منتخب	کدهای محوری	کدهای باز
	الگو برداری از حرکت و بسیج مردمی رویارویی با کرونا	الگو برداری از ایثار و فداکاری در شرایط کرونایی
		جایگاه و نقش الگویی معلم در فرهنگ سازی
		الگو برداری از نحوه مدیریت بحران کرونا برای رویارویی با هر بحران فراگیر دیگر

● **شواهد:** اصلی ترین درس تربیتی که در این ایام یاد گرفتیم این بود که برای ایجاد تغییر و فرهنگ سازی باید از خود شروع کرد. یعنی من معلم باید ابتدا تغییری در خود ایجاد کنم و سپس این انتظار را در متربیانم داشته باشم (د ۵). من هم تصمیم گرفتم به عنوان یک معلم در خدمت دانش آموزانم باشم تا به آنها نیز روحیه ایثار و فداکاری در هر شغل و هر زمانی را یاد بدهم چرا که دانش آموزان امروز نیز بی شک در دوره های زندگی خود بحرانهای جهانی دیگری را نیز پشت سر خواهند گذاشت (د ۳۸). این حرکت های مردمی تأثیری بسیار زیاد در بنده گذاشت. وقتی مشاهده می کردم که کادر پزشکی ما هر کاری می کند تا سلامت بقیه را به دست بیاورند و در این راه از جان خود نیز می گذرند و همین طور جوانان بسیجی و بقیه مردم در روستاها و شهرها با فراهم کردن فضای پاک و سالم باز جان خود را به خطر می اندازند، بنده نیز خود را همیشه مکلف می بینم که این چنین انسانهایی را الگوی خودم قرار دهم (د ۲۹).

شناخت بیماری کرونا، راههای کنترل آن و شیوه های مراقبت از خود و دیگران	شناخت درمورد بیماری کرونا و اهمیت سلامتی
شناخت اهمیت سلامتی	
ارتباط سلامت فردی با سلامت اجتماعی	

● **شواهد:** پویش همدلی و همزبانی باعث شد که بیشتر نسبت به سلامتی خود و اطرافیانم و حتی مسائل و مشکلاتی که در رابطه با ابتلا به کرونا به وجود می آید، اهمیت دهم (د ۲۵). از آنجایی که به عنوان یک معلم در ارتقای فرهنگ و دانش جامعه مسئولیت دارم، همیشه سعی کرده ام نقش خود را در آگاهی بخشی به خوبی ایفا کنم. در ایام کرونا هم با پیگیری اخبار سازمان بهداشت جهانی، سعی کرده ام اخبار دست اول را به اطرافیانم بدهم و شایعات و اخبار غلط و گمراه کننده را برای کسانی که می شناسم تشریح کنم (د ۲). من در وبینارهای مختلف درباره کرونا، چگونگی شادی در زمان کرونا، یا چیستی کرونا و راههای پیشگیری از این بیماری شرکت کردم، تا آگاهی خود را در این زمینه بیشتر کنم و به اعضای خانواده هم این آگاهی را منتقل کنم و آنها هم به دیگران و این زنجیره ادامه پیدا می کند (د ۲).

بزرگ ترین درس خودش توجه به نعمت سلامتی بود، تا قبل از آن کمتر کسی با یک سرما خوردگی شاید رعایت می کرد، اما کرونا اهمیت سلامتی را برای ما آشکار کرد (د ۲۵). ثابت شد که زندگی ما انسانها بسیار به هم وصل است و ارتقای بهداشت و زندگی و تفکر دیگران در بحث کرونا در واقع به بهبود شرایط زندگی خودمان و به طور کلی همه جامعه منجر خواهد شد (د ۶).

کدهای منتخب	کدهای محوری	کدهای باز
مهارت‌های رفتاری	مهارت‌های رفتاری	همراهی با پویش مشارکت و همدلی به صورت مستقیم
		تغییر دادن سبک زندگی
		بالا بردن صبر و شکیبایی
		ترجیح منافع جمعی بر منافع شخصی
		کاربرد کلام آمیخته با مهربانی احترام و متانت
		احوالپرسی و دلجویی از دیگران
		امیددادن کلامی
		تشویق کلامی به همراهی با پویش همدلی
		تذکر و آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی

● **شواهد:** چند روزی یک بار اسم خود را در لیست پایگاه بسیج می‌نوشتم و در نوبت خود در جایی که باید خدمت می‌کردم حضور می‌یافتم و وظیفه خودم را به نحو احسن انجام می‌دادم (د ۲۹). دیگر نمی‌توانیم در بسیاری از جاها نظیر مدرسه، دانشگاه، مجالس و... شرکت کنیم... باید نکات بهداشتی را رعایت کنیم، ماسک بزنیم و حتماً رعایت کنیم زیرا با رعایت نکردن فقط خودمان را تحت خطر قرار نمی‌دهیم بلکه عزیزانمان هم مورد خطر قرار خواهند گرفت (د ۳۲). آمدن کرونا تحول زیادی در ارتقای سطح بهداشت فردی در ما ایجاد کرد و این تبدیل به یک عادت شده و من اگر روزی کرونا به طور کل ریشه کن شود باز هم مسائل بهداشتی را مثل دوران کرونا رعایت می‌کنم (د ۱۸). اگر کسی از دوستان و آشنایانم به این بیماری مبتلا می‌شد سعی می‌کردم تمامی تجربیاتی که شنیده بودم در اختیارشان قرار دهم و آنها به صبر و بردباری و توکل فراخوانم. این امیدها و تشویق‌ها تأثیر مثبتی داشتند (د ۳۷). بایستی در رفتار و کردار، منفعت‌طلبیهای شخصی را کنار گذاشته و منفعت جمعی را جایگزین آن نمود و در هر شغل و جایگاهی، یاری و دستگیری از دیگران را سرلوحه اعمال خود قرار داد (د ۱۶). مشاهده نهضت‌های همدلی و همزبانی در قالب کمک به نیازمندان منجر شد تا من کنترل بیشتری بر روی سخنان خود داشته و با دقت بیشتری کلمات خود را در زنجیره سخن به کار بگیرم. همچنین باعث شد تا نرمی بیشتری در شیوه گفتار خود اعمال کرده و به گونه‌ای سخن بگویم تا کمتر باعث آزردهی خاطر مخاطبان خود شده و در مقابل سخنان من از گیرایی و جذابیت لازم برای همگام کردن دیگران با خود برخوردار باشد (د ۱۷). سعی کردم از دوستانم که در معرض این ویروس قرار گرفتند با تماس‌های تلفنی و ارتباط از طریق شبکه‌های مجازی دلجویی کنم... و دلجویی کنم از کسانی که عزیز خود را از دست داده‌اند (د ۱۱). باعث شد که ما در سطح زبان و گفتار شاهد گفتن حرف‌هایی باشیم که در زمان نبود این بیماری نبودیم. می‌شود گفت که من در زبان و گفتار گوهرهایی را شنیدم و یافتم که در هیچ صدف واقعه دیگری شاید نتوان به این راحتی شنید و یافت (د ۸). سعی می‌کردم تا جایی که می‌توانم به افرادی که کمک‌رسان به مردم بودند انگیزه بدهم و از زحماتشان قدردانی و تشکر کنم و دیگران را نیز به کمک به هموطنان‌شان تشویق و ترغیب کنم (د ۲۷). منظور از امر به معروف، توصیه به حفظ پروتکل‌های بهداشتی و منظور از نهی از منکر، سفارش به پرهیز از کارهای پرخطر در رابطه با واگیری ویروس کرونا است (د ۳). مردم با عمل جذب می‌شدند نه با زبان و همین بهترین روش برای جذب قشر خاکستری در بین توده مردم بود (د ۸). من آموختم که کلمات در ذهن مانند یک جادو عمل می‌کنند. چه کلماتی که می‌شنویم و چه کلماتی که آنان را به کار می‌بریم، احساسات ما را می‌سازند و طبق همان احساسات رفتار از انسان سرمی‌زند. من آموختم که برای آگاهی دادن و تشویق دیگران به انجام کار خیر، می‌توان از کلماتی استفاده کرد که احساس‌شان را برانگیزد (د ۳۴). در این شرایط به وجود آمده کلام و بیان انسان نیز باید تغییر می‌کرد در مقابل برخی، باید از رعایت کردن و پیامدهای عدم رعایت سخن می‌گفتیم و در مقابل برخی با لحن نرم، امید به آینده‌ای بهتر و روشن و گذراندن این شرایط می‌دادیم (د ۱۳). سعی کردم با انجام مطالعات، علم خود را نسبت به این بیماری افزایش دهم تا بتوانم با دلایل قوی آرامش را در وجود فامیل، دوستان، خانواده و ایجاد کنم (د ۹).

کدهای منتخب	کدهای محوری	کدهای باز
	باورها	رشد باورهای دینی از جمله توکل، صبر، شکر و قدرشناسی از نعمتهای مختلف
	مسئولیت و تعهد	رشد حس مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی رشد حس تعهدپذیری
	عواطف و تمایلات	رشد عواطف: عشق و محبت و مهربانی، احترام، همدلی، افتخار، امنیت و آرامش، رضایت، امید، نوع‌دوستی، وطن‌دوستی، شوق و ارزشمندی رشد تمایلات: تمایل به خدمت، ایثار، فداکاری و مشارکت

● **شواهد:** اینکه مردم ایران در شرایط سخت در کنار هم می‌مانند و با کمک و دستگیری و مهربان بودن با هم این شرایط را قابل تحمل می‌کنند، درس است. درس ایثار و از خودگذشتگی معلمی که روی تخت بیمارستان آموزش را رها نکرد، درس خداپاوری و توکل به خدا و اینکه از این امتحان سربلند بیرون بیاییم (د ۱۰). این مشاهده، مهربانی و رقت قلب مرا بیشتر کرده و باعث شد نسبت به اطرافیان احساس مسئولیت بیشتری داشته باشم. همچنین موجب شد تا از وضعیت اقتصادی اقصای مختلف جامعه آگاهی بهتری کسب کرده و درک ملموس‌تری از وضعیت کنونی آنان در دوران کرونایی بدست آورم (د ۱۷). تا قبل از آمدن این ویروس، جهان به سرعت در حال حرکت بود. همه چیز طبق روال خود پیش می‌رفت... و هیچ کس متوجه اهمیت این وضعیت مناسب نبود و کسی خدا را شکر نمی‌کرد. ما قدر بودن در کنار یکدیگر و قدر بودن در کنار عزیزانمان را نمی‌دانستیم. ما قدر پرستاران خود را اکنون می‌دانیم (د ۳۵). دیدن این کنار هم بودن مردم، این کمک کردن به همدیگر، حس خرسندی و شادی در قلبم ایجاد کند، احساس غرور را در من زیاد کرد که در بین این‌گونه افراد زندگی می‌کنم و در کنارشان برای بهتر کردن حال عزیزانمان تلاش می‌کنم (د ۳۱). همدلی، پشتیبانی، عشق، ایثار و از خودگذشتگی، جوانمردی، عطف و مهربانی، ارجحیت منفتهای جمعی بر منفتهای شخصی، وابستگیهای عاطفی زنجیره‌وار انسانی (د ۱۶). این همدلی و مهربانی و کمکها سبب تغییر ذهنیت من شد، از این جهت که باید در هر شرایطی تنها به فکر خود نباشم و سبب برانگیخته شدن احساسات و عواطف انسانی و ارزشهای اجتماعی در من شد (د ۱۶). به این نتیجه رسیده‌ام که خوشحالی واقعی و رضایت درونی تنها زمانی اتفاق می‌افتد که انسان احساس کند که موجودی به‌درخور و مفید است (د ۱۸).

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

بیماری کرونا مشکلات بسیار برای جوامع بشری ایجاد کرد و تبعات منفی بسیاری داشت. پژوهشگرانی نیز در سطح جهان، در زمینه تبعات منفی آن از جنبه‌های مختلف به پژوهش پرداختند. با وجود تبعات منفی هر بلا، بیماری و گرفتاری، ممکن است دستاوردهای مثبتی نیز برای فرد، افراد یا جوامع بشری داشته باشد. در زمینه این بیماری نیز علی‌رغم گرفتاریهای بسیار، تجربه‌ها و دستاوردهای مثبت و سازنده‌ای کسب شده که در کمتر پژوهشی به آنها پرداخته شده است. از جمله آثار مثبت این بیماری می‌توان به تشکیل تشکلهای اجتماعی و پویسهای انسانی در سطح جهان و کشور ما اشاره نمود که در این پژوهش، تمرکز بر آثار و دستاوردهای تربیتی شناختی، رفتاری و نگرشی مثبت و سازنده بیماری،

از جنبه‌های مختلف مشارکت و همدلی اجتماعی، به‌ویژه در جوانان و دانشجویان بود. دانشگاه مأموریت‌گرا و رسالت-محور فرهنگیان نیز دارای رسالت‌های تربیتی مهمی در زمینه‌های تربیتی و ایجاد مهارت‌های انسانی و اجتماعی در دانشجویان، از جمله مشارکت فعالانه در فرایندها، بحرانها، مسائل اجتماعی بوده است. در دوره بحران کرونا نیز دانشجویان این دانشگاه، همگام با سایر تشکلهای اجتماعی در زمینه‌های گوناگون مقابله با بحران نقشی بسیار گسترده داشته‌اند و این امر آثار تربیتی متعددی برای آنان داشته است. روایت تجربه زیسته آنان از این مشارکت و همدلی خود دارای نکات تربیتی بسیاری بود که در این پژوهش بررسی شده‌اند. آثار تربیتی مثبت این پویش، طبق تحلیل تجارب زیسته دانشجویان، در سه کد منتخب یا گزینشی بررسی شده است.

الف) اثرات تربیتی پویش، از نظر شناختی: یکی از مهم‌ترین ویژگیهای انسانی، توانایی درک موقعیتهای مختلف زندگی، استخراج الگو از تجربیات گذشته و به‌کارگیری این الگوها برای مواجهه مؤثر با شرایط مشابه و جدید است. با توجه به تجربه زیسته دانشجویان، آنان از نظر شناختی با الگوبرداری از حرکت و بسیج مردمی در رویارویی با بیماری کرونا و شناخت آن و اهمیت سلامتی توانسته‌اند با مفاهیم ایثار و فداکاری در شرایط سخت و مشارکت مردمی و شیوه خدمت‌رسانی به‌منزله مدلی از مشارکت ملی برای گذر سالم‌تر از سایر بحرانها آشنا شوند و با الگوبرداری از تلاشها، ایثار و از خودگذشتگی مردمی، کادر درمان، مسئولان، خانواده‌ها و به‌ویژه جوانان، در رویارویی با مشکلات و کاهش آثار آنها، تجربیات متعددی را کسب کنند. همچنین این امر سبب تفکر و تأمل دانشجویان در شناخت پیشین و ایجاد تغییراتی مطلوب و سازنده در دیدگاه خود نسبت به مشکلات اجتماعی شد. نتیجه اینکه دانشجو-معلمان، طی این بحران، با پی بردن به مسئولیتهای اجتماعی خود به‌عنوان عضوی از جامعه و معلمان آینده، آمادگیهای لازم را از نظر شناختی، برای نحوه برخورد با مشکلات اجتماعی، الگوبرداری صحیح از شرایط بحرانی و رفتارهای دیگران و رویارویی با بحرانها و ایجاد حس مشارکت و همدلی در آنها به‌دست آوردند و از این تجربیات در شرایط مشابه و هنگام انجام دادن وظیفه خطیر معلمی استفاده کردند. به‌ویژه در شرایط کنونی که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، به‌مثابه یک تیغهٔ دولبه، با قدرت تمام در جهت سازندگی یا تخریب مشارکتها و همدلیهای اجتماعی در حال تلاش‌اند، شناخت و برخورد آگاهانه، از شرایط مشارکت و همدلی محسوب می‌شوند. یافته‌های این پژوهش در زمینه آثار شناختی مثبت پویش مشارکت و همدلی، همسو بود با نتایج پژوهش حاتمی ورزنه و همکاران (۱۳۹۹)، عسگری و همکاران (۱۴۰۰) و لی و همکاران (۲۰۲۰)، که به‌نحوی آثار اجتماعی مثبت بیماری را در زمینه مشارکت بررسی کرده‌اند.

ب) اثرات تربیتی پویش، از نظر رفتاری: بیماری کرونا تغییرات مثبت و منفی بسیاری در رفتار افراد بشری ایجاد کرد. بسیاری از عادات و مهارت‌ها و رفتارهای جدید را ایجاد کرد و رفتارهایی مثبت یا منفی را کاهش داد یا از بین برد. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نیز براساس روایت تجربه

زیسته خود از این دوران، عادات، مهارتها و رفتارهای مثبت متعددی مانند ایجاد مهارت همراهی مستقیم با مشارکتهای مردمی، تغییر سبک زندگی، بالا بردن صبر و شکیبایی، ترجیح منافع جمعی بر شخصی و تغییرات کلامی را کسب کردند. توجه به این امر می‌تواند سبب رشد مهارت مدیریت عواطف و احساسات خود و دیگران، به‌ویژه دانش‌آموزان، ایفای نقش آگاهی‌دهنده، مشوق و بازدارنده به تناسب نوع رفتار دیگران و شرایط موجود، رشد مهارتهای سازگاری با شرایط و انعطاف‌پذیری، مدیریت وقت و امکانات موجود برای کنار آمدن با شرایط، کار گروهی، حل مسئله، روابط و تعاملات اجتماعی و غیره شود. از طریق ایجاد این تغییرات رفتاری و کسب مهارتها و عاداتها، دانشجو-معلم، هنگام فعالیت در نقش معلم، قادر به استفاده از آنها و موفقیت در کار خود خواهند شد. همچنین گرچه براساس نتایج پژوهشهایی مانند پژوهش خدابخشی‌کولایی (۱۳۹۹) و رحیم (۲۰۲۰)، کرونا از نظر رفتاری دارای آثار منفی متعددی بوده، اما براساس نتایج پژوهشهای عینی و همکاران (۱۳۹۹)، امیدیان و اسماعیل‌پور (۱۳۹۹)، نوروزی‌سیدحسینی (۱۴۰۰)، یو و همکاران (۲۰۲۰) و لی و همکاران (۲۰۲۰)، این بیماری دارای آثار مثبتی نیز بوده که به‌نحوی مؤید نتایج این پژوهش بوده‌اند.

ج اثرات تربیتی پویش، از نظر نگرشی: کرونا علاوه بر تغییرات شناختی و رفتاری، از نظر نگرشی نیز تغییرات متعددی در ویژگیهای شخصیتی، دیدگاه، باور، احساسات، ترجیحات، عواطف افراد جامعه ایجاد کرد. براساس تجربه زیسته دانشجو-معلم، آنان طی دوران مذکور، از نظر نگرشی تحولات مثبت و منفی متعددی را تجربه کردند. از جمله آثار تربیتی مثبت بروز کرونا می‌توان به شکل‌گیری باورهای دینی، همبستگی، انسجام و حمایت اجتماعی، تقویت هویت ملی و دینی، کسب آرامش، شادمانی، حس امنیت و رضایت‌مندی در مواقع نبودن بحران، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، تعهد، پاسخگویی، همدلی، مهربانی و از خودگذشتگی و شکیبایی اشاره کرد. یافته‌های پژوهشهای حاتمی و همکاران (۱۳۹۹)، عینی و همکاران (۱۳۹۹)، شهابی‌کاسب و همکاران (۱۳۹۹)، عسگری و همکاران (۱۴۰۰)، نوروزی‌سیدحسینی (۱۴۰۰)، رحیم (۲۰۲۰)، یه و همکاران (۲۰۲۰) و لی و همکاران (۲۰۲۰)، نیز در زمینه آثار نگرشی مثبت بیماری، علی‌رغم مشکلات آن، با نتایج این پژوهش به نحوی همخوان بوده است.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود: ۱. دانشگاه فرهنگیان با توجه به رسالت خود باید علاوه بر توجه به آموزش رسمی، شرایط و زمینه‌های یادگیری دانشجو-معلم را در دیگر موقعیتهای آموزشی مانند مدیریت بحرانها فراهم کند تا رسالت واقعی خود را که تربیت معلمانی فکور و مؤثر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی است به انجام رساند و ۲. دانشجو-معلم در مدیریت بحرانهای گوناگون و حل مسائل جهان واقعی مشارکت داشته‌باشند، تا بتوان هم از ظرفیت و پتانسیل این گروه جوان بهره‌مند شد و هم زمینه را برای کسب تجربه در شرایط واقعی و رشد مهارتهای گوناگون و در نهایت ایفای نقش فعال اجتماعی آنان فراهم کرد.

آذر، خدیجه و ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۴۰۱). مسئولیت اجتماعی دانشگاهها در مقابله با ویروس کرونا. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۲ (۸۵)، ۸۱-۱۲۲.

doi: 20.1001.1.17358191.1401.22.85.3.1

امیدیان، مهدی و اسماعیل پوراشکفتکی، محمود. (۱۳۹۹). پیش‌بینی حمایت اجتماعی دانشجویان براساس مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی در بحران همه‌گیری کرونا. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۰ (۳۹)، ۱۶۳-۱۷۹.

<https://doi.org/10.22034/spr.2020.247618.1553>

تقوایی، مسعود؛ بابانسیب، رسول و موسوی، چمران. (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱ (۲)، ۱۹-۳۶. حاتمی ورزنه، ابوالفضل؛ فتحی، الهام؛ خانی‌پور، حمید و حبیبی، نرگس. (۱۳۹۹). پیش‌بینی نگرش به داوطلبی براساس سبک‌های دلبستگی، همدلی و خودشفقت‌ورزی در افراد داوطلب و غیرداوطلب در فعالیتهای مشارکت مردمی در دوره شیوع کووید-۱۹. فصلنامه پژوهش در سلامت و روان‌شناختی، ۱۴ (۱)، ۸۷-۱۰۱.

doi: 20.1001.1.20080166.1399.14.1.6.9

حسین‌زاده، علی‌حسین و فدایی‌ده‌چشمه، حمید. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۲ (۵)، ۵۹-۸۲. خدابخشی‌کولایی، آناهیتا. (۱۳۹۹). زندگی در قرنطینه خانگی: واکاوی تجارب روان‌شناختی دانشجویان در همه‌گیری کووید-۱۹. مجله طب نظامی، ۲۲ (۲)، ۱۳۰-۱۳۸.

doi: 10.30491/JMM.22.2.130

خرمایی، فرهاد؛ عرفانی‌فر، فاطمه؛ محمدمیری، مریم و شاهورانی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مؤلفه‌های دشواری در نظم‌بخشی هیجان در افراد مشارکت‌کننده در فعالیتهای خیریه و افراد عادی. رویش روان‌شناسی، ۷ (۸)، ۵۵-۷۰.

doi: 20.1001.1.2383353.1397.7.8.8.1

شهبایی‌کاسب، محمدرضا؛ عسکری‌تبار، انسیه‌سادات و تصدیقی، محسن. (۱۳۹۹). همه‌گیری بیماری کووید-۱۹: بررسی کیفی تجارب زیسته دانش‌آموزان سال دوازدهم در قرنطینه خانگی. ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.

صادقی‌فرد، نینا و لطفی‌عظیمی، افسانه. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای حرمت خود در رابطه بین ارتباط والد-کودک با همدلی. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۷ (۶۸)، ۳۸۳-۳۹۲.

عسگری، محمد؛ چوپداری، عسگر و اسکندری، حسین. (۱۴۰۰). واکاوی تجارب زیسته افراد مبتلا به بیماری کرونا در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی و راهکارهای پیشگیری و کنترل آسیب‌های روانی ناشی از آن. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲ (۴۵)، ۳۳-۵۲.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.53244.2453>

عینی، ساناز؛ عبادی، متینه و ترابی، نغمه. (۱۳۹۹). تدوین مدل اضطراب کرونا در دانشجویان براساس حس انسجام و تاب‌آوری: نقش میانجی حمایت اجتماعی ادراک‌شده. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱ (۴۳)، ۱-۳۲.

فتحی‌واجارگاه، کورش. (۱۳۹۵). برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه‌درسی (جلد ۱). تهران: انتشارات آبیژ.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مرکز مشاوره جامعه‌الزهرا (س). (۱۳۹۹). مهارت‌های زندگی (مهارت همدلی). قم: انتشارات حوزه علمیه خواهران.

موسویان، سمانه سادات؛ طلایی، ابراهیم؛ فردانش، هاشم و بختیاری، ابوالفضل. (۱۳۹۸). تدوین چارچوبی به منظور ارائه آموزش مبتنی بر همدلی در کلاس درس. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۵ (۳)، ۹-۳۴.

doi: 20.1001.1.10174133.1398.35.3.1.2

مهديه، اميد. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران. *فصلنامه دانش و پیشگیری مدیریت بحران*، ۱۰ (۲)، ۱۲۶-۱۴۱.

doi: 20.1001.1.23225955.1399.10.2.3.1

نوروزی سیدحسینی، رسول. (۱۴۰۰). سالمندان ورزشکار و همه‌گیری کووید-۱۹: واکاوی تجربه زیسته سالمندان ورزشکار تهرانی (رویکردی پدیدارشناسانه). *نشریه علمی پژوهشی سالمند*، ۱۶ (۱)، ۴۶-۶۱.

doi: 10.32598/sija.16.1.3000.1

Baum, H. S. (2001). Citizen participation. In N. J. Smelser, & P. B. Baltes (Eds.), *International encyclopedia of the social and behavioral sciences* (pp. 1840-1846). Pergamon.

Creswell, J. W. (2009). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (3rd ed.). Sage Publications, Inc.

Green, L. M., Missotten, L., Tone, E. B., & Luyckx, K. (2018). Empathy, depressive symptoms, and self-esteem in adolescence: The moderating role of the mother-adolescent relationship. *Journal of Child and Family Studies*, 27(12), 3964-3974. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1216-z>

Li, J. B., Yang, A., Dou, K., Wang, L. X., Zhang, M. C., & Lin, X. Q. (2020). Chinese public's knowledge, perceived severity, and perceived controllability of COVID-19 and their associations with emotional and behavioural reactions, social participation, and precautionary behaviour: A national survey. *BMC Public Health*, 20(1), 1-14. doi: 10.1186/s12889-020-09695-1.

Peris, J., Acebillo-Baqué, M., & Calabuig, C. (2011). Scutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006. *Habitat International*, 35(1), 84-92. DOI:10.1016/j.habitatint.2010.04.003

Rahiem, M. D. (2020). The emergency remote learning experience of university students in Indonesia amidst the COVID-19 crisis. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19(6), 1-26. DOI: 10.26803/ijlter.19.6.1

Rieffe, C., Ketelaar, L., & Wiefelerink, C. H. (2010). Assessing empathy in young children: Construction and validation of an Empathy Questionnaire (EmQue). *Personality and Individual Differences*, 49(5), 362-367. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.03.046>

Turner, R. H. (1980). *The media and preparation on for natural disaster*. Washington, D. C.: Disaster and Mass Media, National Academy of Sciences.

Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience*. New York: State University of New York Press.

Ye, Z., Yang, X., Zeng, C., Li, X., Wang, Y., Shen, Z., & Lin, D. (2020). Resilience, social support, and coping as mediators between COVID-19-related stressful experiences and acute stress disorder among college students in China. *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 12(4), 1074-1094. <https://doi.org/10.1111/aphw.12211>

Yu, H., Li, M., Li, Z., Xiang, W., Yuan, Y., Liu, Y., ... Xiong, Z. (2020). Coping style, social support and psychological distress in the general Chinese population in the early stages of the COVID-19 epidemic. *BMC Psychiatry*, 20(1), 426. doi: 10.1186/s12888-020-02826-3

Student-Teachers' Life Experiences of Empathy and Cooperation among People during the COVID-19 Crisis and their Educational Implications

S. Valipour Hafshejani, Ph.D.^{1*} © H. Ghamari, Ph.D.¹ © M. Nikkhaah, Ph.D.²

Abstract

To extract the educational implications of student-teachers' experiences of empathy and cooperation among people during the COVID-19 crisis, a questionnaire with open response questions was constructed by the researcher and then validated by ten experts at Farhangian University. 37 student-teachers who were among the top achievers and were selected by their professors, completed the questionnaire. The findings show that the respondents learned not only about the disease and ways of treating it, but also learned through observation how to be self-sacrificing. Behaviorally speaking, they became more patient, altruistic, group oriented, and verbally communicative. Attitudinally, religious beliefs, as well as a sense of social responsibility, commitment, and positive affects were strengthened.

Keywords: educational effects, life experience, cooperation and empathy, COVID-19, phenomenological study

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Date Received: Oct. 31, 2022

Date Accepted: May 7, 2023

1. Assistant Professor of Farsi Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: sh.valipour@cfu.ac.ir

1. Assistant Assistant Professor of Farsi Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Education, Farhangian University, Tehran, Iran.